

## دیداری با میلادی، مربی پیش‌گسوت کشتی در نهاوند



### اشاره:

با تشکر از آقای هوشنگ شاهرخی که با دعوت از دوست قدیمی و ورزشکار خود آقای عباس میلادی و همراهی با ایشان، فرصت مصاحبه‌ای با ایشان را برای مؤسسه‌ی فرهنگی علیرادیان فراهم ساختند. گفتنی است مربیگری رشته‌ی کشتی در نهاوند، به خصوص در آموزشگاه‌ها، از سال ۱۳۳۸ به بعد با تلاش آقای میلادی فعال شد و از آن پس این شهرستان شاهد فعالیت مربیان متعددی در نهاوند بوده است.

خوش بختانه در سال‌های اخیر همشهریانی مانند آقایان عزیز سیف، تورج ظفری و فرامرز سماوات، که گاه موقعیتی در سطح ملی و فراتر از آن داشته‌اند، این رشته را دنبال کرده و تداوم بخشیده‌اند. آن‌چه از نظرتان می‌گذرد گفت‌وگوی صمیمانه‌ای با آقای عباس میلادی در دفتر آقای عباس خرمی مدیریت محترم مؤسسه است. در این مصاحبه دکتر حسین داودی مدیرمسئول نیز حضور داشتند.

**«فرهنگان»**

### لطفاً خودتان را به خوانندگان «فرهنگان» معرفی کنید.

این‌جانب عباس میلادی در تاینستان ۱۳۱۸ در شهر سنندج به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آن‌جا گذراندم. هم‌زمان با تحصیل، با توجه به علاقه‌ی فراوانی که به ورزش داشتم در اکثر رشته‌های ورزشی مانند فوتبال و بسکتبال شرکت می‌کردم. فعالیت زیاد من در ورزش، به‌خصوص در رشته‌ی فوتبال، آن‌هم با جثه‌ی کوچکم خانواده‌ام را نگران کرده بود که به ضعف در اندام دچار شوم.

سرانجام به توصیه‌ی پدر و تأکید برادر بزرگ‌ترم آقای ناصر میلادی (متولد سال ۱۳۱۳) از فوتبال دست کشیدم و به پرورش اندام پرداختم و در این رشته به پیشرفت‌هایی نایل شدم. سپس به کشتی روی آوردم و در این رشته نیز با تمام وجود به تمرین پرداختم، تا آن‌جا که موفق شدم به ترتیب در وزن‌های ۴۸ و ۵۲ و ۵۶ کشتی بگیرم و در سطح استان مقام کسب کنم و در آموزشگاه‌های سراسر کشور هم به مقام چهارم نائل شوم (سال ۱۳۳۶).

چه طور شد که از کشتی گرفتن منصرف شدید؟

انصراف من از ورزش کشتی ناخواسته بود. زیرا در سال آخر دبیرستان در حین تمرین مصدوم شدم و به ناچار از تمرینات کناره‌گیری کردم. اما هیچ‌گاه صحنه‌ی کشتی را ترک نکردم و این‌بار در کسوت «مربیگری کشتی» به خدمت ادامه دادم.

از چه سالی در نهاوند مستقر شدید؟

کمی بعد از استخدام شدن در بانک کشاورزی، در سال ۱۳۳۸ به نهاوند منتقل شدم و در این شهرستان اولین دوره‌ی مربیگری‌ام را خارج از خانواده و دور از زادگاهم تجربه نمودم.

در عین حال احساس می‌کنم چه‌قدر سعادت داشتم که در آن سال‌ها (۱۳۳۸ به بعد)، درست در اوج علاقه‌ی به کشتی و شروع به کار مربیگری به شهری وارد شدم و در آن اقامت گزیدم که از عاشقان و علاقه‌مندان به این رشته فراوان داشت. پس از ورودم به نهاوند و اشتغال به کار موظف، درصدد برآمدم ساعات فراغت خود را با مربیگری کشتی پر کنم. از این رو کنجکاو شدم و این سؤال ذهنم را مشغول ساخت که آیا در این شهر از باشگاه و یا محیط ورزشی خبری هست و آیا علاقه‌مندان این ورزش تشک کشتی دارند و اصلاً وضعیت کشتی در این شهر چگونه است؟

اولین جایی را که به من نشان دادند محلی بود به نام باشگاه جعفری، که مدیرتش به عهده‌ی آقای حمید غلامی بود. او خودش هم کشتی می‌گرفت. با مشاهده‌ی آن‌جا و کمبود امکانات ورزشی آن احساس کردم کشتی در این شهرستان چه وضعیت فقیرانه‌ای دارد. اما جای امیدواری بود که بچه‌ها با وجود این کمبودها هم‌چنان با اشتیاق تمرین می‌کردند. من هم به دلیل عشق به کشتی بلافاصله تمرین را با آن‌ها شروع نمودم و به تدریج با کشتی‌گیران آشنا شدم. از افرادی که در آن‌جا تمرین می‌کردند، هم‌اکنون

به جز آقای حمید غلامی، مرحوم احمد مرشدی و آقای طهماسب یعقوبی کسی دیگر را به یاد ندارم.

### آیا با تیم‌های کشتی آموزشگاهی نیز همکاری داشتید؟

با فعال شدن تیم‌های کشتی آموزشگاهی امیدواری من بیش‌تر شد و اتفاقاً بیش‌تر فعالیت‌های من با این تیم‌ها بود. محل تمرین تیم آموزشگاه‌ها ابتدا در دبیرستان ابن سینا بود که با مدیریت آقای ابراهیم صحت نیاکی اداره می‌شد و من پس از آشنا شدن با این آموزشگاه تصمیم گرفتم بعد از ظهرها پس از فراغت از کار بانک کشاورزی یک‌سره در کنار بچه‌ها و محل تمرینشان حاضر شوم. کارم را با شور و علاقه‌ی فراوان شروع کردم و با جدیت پیگیری می‌نمودم. الحق بچه‌ها هم با اشتیاق تمرین می‌کردند.



از راست به چپ، آقایان داودی، میلادی و خرمی

از اسامی کشتی‌گیران آن زمان که به یادمانده است آقایان پرویز نوروزی، سیفی بهمنی، محمدحسین علیمرادیان، نعمت مهربانی، هوشنگ جوزاک، غلام گوهری (سرهنک بازنشسته‌ی نیروی دریایی)، غلامرضا سعیدی (مُشفق)، عباس خرمی، قبادی، رسول کفاش، عباس علیمرادیان بودند که به تناوب با آن‌ها کار می‌کردم.

در این اواخر در نهایند با کشتی‌گیری برخورد کردم به نام عبادالله خدارحمی (شهید خدارحمی عضو گروه انقلابی ابوزر) که بعدها از شخصیت‌های مبارز و انقلابی شهر و کشور شد. البته همه‌ی آن کشتی‌گیران در زمان خودشان مطرح و نامی بودند. حتی به یاد دارم که حریف آقای پرویز نوروزی، در زمانی که در خدمت سربازی بود، کسی مانند آقای صنعت کاران از اعضای برجسته تیم ملی آن زمان بود.

از مدارس دیگر هم برای تمرین کشتی‌گیران استفاده می‌کردید؟

پس از مدتی تمرین با بچه‌ها در دبیرستان ابن سینا بنا بر دستور و مصلحت مسئولان گفته شد محل تمرین به دبیرستان کوروش کبیر منتقل شود. متأسفانه امکانات محل جدید کم‌تر بود و ما عملاً با مشکلاتی مواجه شدیم. کمبود جا، نبود فضای مناسب و گرد و خاک فراوان، تمرینات را دشوار می‌کرد. ما هر روز ناگزیر بودیم قبل از کشتی تشک‌ها را تک‌تک از اتاقی به محل بزرگ‌تری که حالت سالن داشت ببریم و آن‌ها را کنار هم بگذاریم و برزنتِ روکشِ آن‌ها را روی آن‌ها بکشیم، آن‌گاه کارمان را شروع کنیم و در پایان تمرین در همان روز مجدداً باید تشک‌ها را جمع‌آوری می‌کردیم و به محل قبلی می‌بردیم تا سالن برای استفاده‌های دیگر مهیا شود.

در آن زمان در نهاوند فقط سه تشک کشتی وجود داشت که تقریباً وضعیت مشابهی داشتند. دو تای آنها در دبیرستان‌های ابن سینا و کوروش کبیر و سومی در باشگاه آقای غلامی بود. با وجود این امکانات محدود طی ده سال فعالیت (از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۸) موفق شدیم مسابقات کشتی متعددی را برگزار کنیم.

لطفاً از این مسابقات خاطره‌ای بیان کنید.

به یاد دارم مرحوم جعفر شریفی در همدان یک حریف همدانی را که اتفاقاً خیلی قَدَر و مطرح بود شکست داد. این پیروزی کشتی گیر شهرستانی برای همدانی‌ها و مخصوصاً مسئولین آنها ناخوشایند بود. از این رو تلاش می‌کردند به هر طریقی که ممکن باشد نتیجه را تغییر دهند و یا لاقلاً مسابقه مجدداً برگزار شود.

اولین بار بود که این اتفاق برای تیم کشتی ما روی داد و ما در وضعیت خاصی قرار گرفته بودیم. در مشورت با تیم هم نتیجه نگرفتیم. زیرا اعضای تیم نه تنها حاضر به تکرار مسابقه نمی‌شدند، که از ادامه‌ی مسابقات هم انصراف دادند و استدلال تیم این بود که با فرض انجام مسابقه و پیروزی مجدد، این‌ها هیچ وقت بُرد ما را تحمل نخواهند کرد.

پس از بازگشت از این مسابقه تصمیم گرفتم ماقوع را برای مسئولین بالاتر تشریح کنم. از این رو نامه‌ی اعتراض آمیزی برای استاندار وقت نوشتم و از او درخواست کردم جلوی این حق‌کشی‌ها را بگیرد و ترتیبی دهد در مسابقات کشتی استان، حرمت شهرستانی‌ها از جمله بچه‌های نهاوند محفوظ بماند و حقشان تضییع نشود و در نامه اضافه کردم: هرچه بکنند نمکش می‌زنند... اما این اعتراض کتبی نه تنها مشکل



ما را حل نکرد، که موجب گرفتاری‌های زیادی شد. به گونه‌ای که بنده را برای ادای توضیحات به جاهای مختلف احضار کردند.

**ورزش کشتی نهاوند را در زمانی که مربی بودید، چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

در آن سال‌ها که من مربی بودم، از ورزش کشتی در نهاوند استقبال می‌شد و رواج خیلی خوبی داشت. به خصوص دانش‌آموزان کشتی‌گیر گوی سبقت را در این رشته از بقیه‌ی ورزشکاران در سطح شهر ربوده بودند. این اقبال به کشتی به حدی بود که بعضی خانواده‌ها هر یک دو سه نفر کشتی‌گیر داشتند.

بی شک اگر امکانات نهاوند، در آن سال‌ها بهتر می‌شد و ورزشکاران حداقل از نظر تغذیه وضعیت مناسب‌تری می‌داشتند بهترین کرسی‌ها را در داخل و خارج از کشور از آن خود می‌کردند.

### تیم کشتی را چگونه راه‌اندازی می‌کردید؟

از آن جایی که برای برگزاری مسابقات کشتی عزم جدی بود کشتی‌گیران در وزن‌های مختلف اعلام آمادگی می‌کردند و تیم راه‌اندازی می‌شد. البته گاهی با تنگناهایی نیز مواجه بودیم، از جمله به یاد دارم که تیم ما آن‌زمان کشتی‌گیر سنگین‌وزن نداشت و ناگزیر دست به دامن آقای مهدی دولتی معروف به تهمتن شدیم که یک مغازه دار بود و با اصرار و آمد و رفت زیاد آن مرحوم را راضی کردیم که مغازه‌اش را تعطیل کند. مشکل بعدی ما این بود که ایشان یار تمرینی نداشت، تا بالأخره به آقای غلام قره‌خان روی آوردیم و از ایشان دعوت به همکاری کردیم و این‌ها از بزرگان کشتی نهاوند بودند.

### لطفاً از مربیان و کشتی‌گیران پیش کسوت بگویید.

آن‌چه به ذهنم می‌آید این است که قبل از من کار مربیگری در نهاوند توسط مرحوم حسین کیبودی، که استوار شهربانی بود، انجام می‌گرفت. آقای داود رشیدی هم آن‌موقع کشتی می‌گرفت و کشتی‌گیر خوبی هم بود. هم‌چنین آقای قبادی که در قصابی کار می‌کرد و کشتی می‌گرفت و جوان بسیار درس‌خوانی هم بود. در این جا باید از کسان دیگری مانند آقایان مصطفی پهلوانی، حمید غلامی، حسین شهبازی (خیاط) و گودرزی، که صاحب نام نیز بود، نام ببرم.



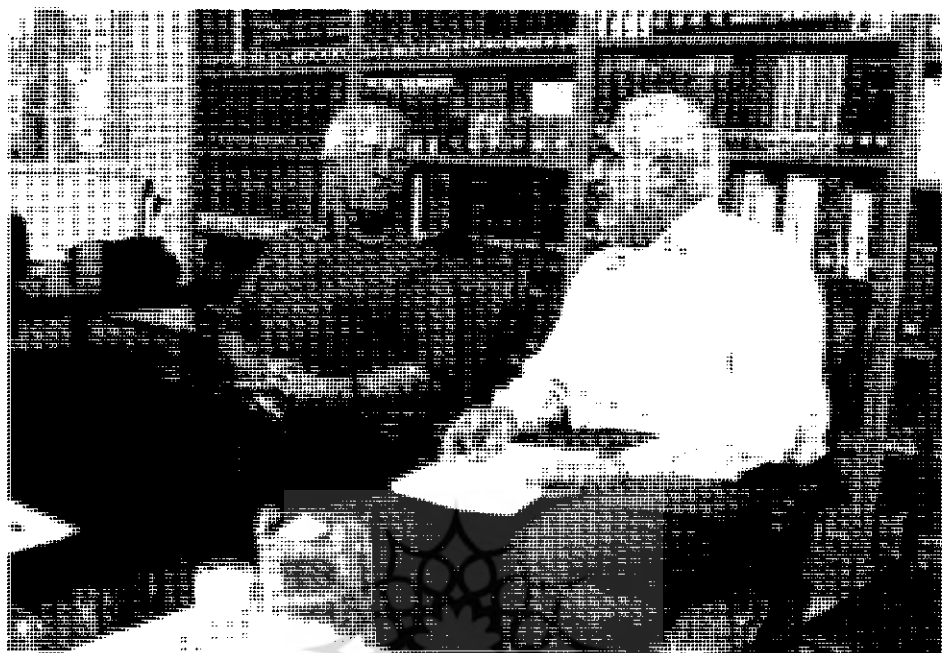
البته نهاوند، در این رشته، همیشه از استعدادهای درخشانی سرشار بوده و هست. به خصوص اکثر کمبودهای زمان ما، امروزه بحمدالله برطرف شده و نهاوند هم اکنون از نعمت و پشتوانه‌ی با ارزشی همانند امکانات وسیع مجتمع ورزشی علیمرادیان برخوردار است و حامی و پشتیبانی مانند آقای مهندس محمدحسین علیمرادیان دارد و نهاوند از این جهت دارای موقعیتی بی نظیر یا کم نظیر است.

### کشتی نهاوند را در سال‌های اخیر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگرچه من سال‌هاست که در جمع کشتی‌گیران نهاوند نیستم اما خدا را شکر که آن‌ها در سال‌های اخیر افتخار آفریده‌اند! از جمله برادران موسیوند، آقای سعید کولیوند و آقای مهرداد سعدی نژاد خیلی خوب بالا آمدند. آقای علیرضا درویشی و آقای محمدرضایی الآن میدان‌داری می‌کنند و آخرین خبری هم که شنیدم قهرمانی و کسب مدال طلای آسیایی توسط آقای سعید ابراهیمی و آقای حمید سیفی است که جای بسی خوشحالی و شادمانی دارد.

برای من این خوشحالی مضاعف است، چرا که احساس می‌کنم من هم در این میان اندک سهمی و نقشی داشته‌ام و می‌توانم در شمار خدمت‌گزاران به کشتی نهاوند به حساب بیایم.

۱- آقای هوشنگ شاهرخی عوامل مؤثر در افتخار آفرینی این کشتی‌گیران را اولاً وجود استعدادهای ذاتی و بالقوه‌ی آنان، ثانیاً داشتن مربیان دلسوز مانند آقای میلادی و ثالثاً امکانات و تجهیزات ورزشی پیش‌رفته‌ای مانند آن‌چه آقای مهندس علیمرادیان در نهاوند فراهم کرده‌اند، دانستند و معتقدند باید قدر این اتفاق مبارکی که در نهاوند رخ داده است بدانیم و در تقویت آن بکوشیم. «فرهنگان»



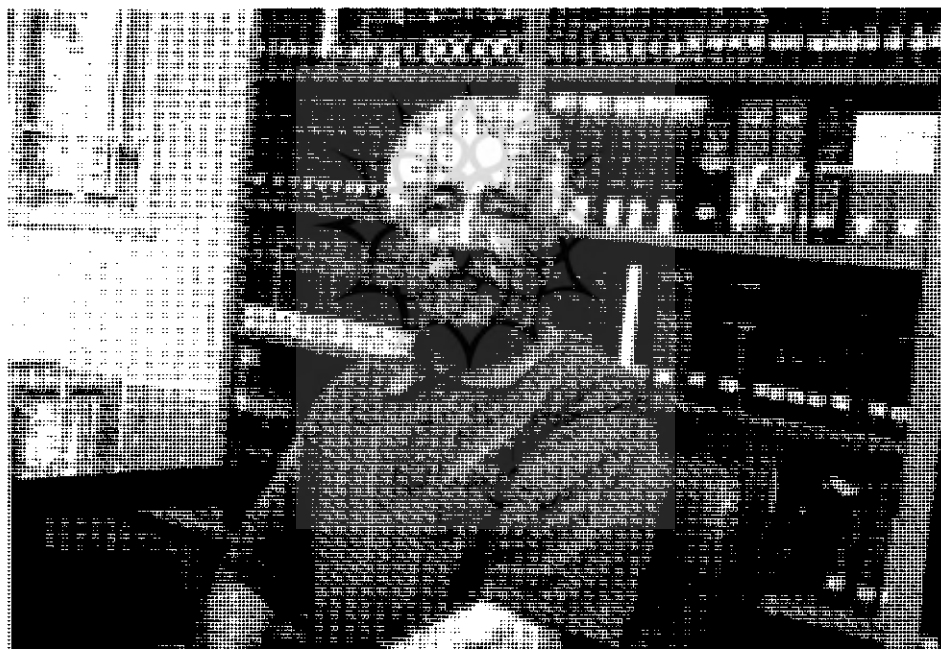
### آیا در این سال‌ها از نهاوند دیداری داشته‌اید؟

آری، اخیراً سفری به نهاوند داشتم و فرصتی پیش آمد تا با آقای فرامرز سماوات، از مربیان نهاوند، به دیدن تمرین کشتی‌گیران در محل روستای رزینی برویم، که برایم امیدوارکننده بود و از دیدن سالن کشتی، آن‌هم در روستا و علاقه‌مندان زیادی که در سطح بسیار خوبی تمرینات را پی‌گیری می‌کردند، بسیار خوشحال شدم.

### دیدگاه امروزتان نسبت به ورزش چگونه است؟

من هم‌چنان برای ورزش (هر رشته‌ای باشد) اهمیت قائلم و عرض می‌کنم یکی از بهترین راه‌های سلامت و سعادت جامعه سوق دادن جوانان به سمت آن است و به‌نظر

من از مهم‌ترین وظایف دولت هم محسوب می‌شود. ورزش در سال‌هایی که ما مربی بودیم به رغم وجود زمینه‌های مختلف انحرافی، منجی ما بود. الان هم ورزش از حساسیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و همگی باید در توسعه و تقویت آن بکوشیم. چنان که من خودم با این که شصت سالگی را پشت سر گذاشته‌ام، ولی برنامه‌های ورزشی را، از کوهنوردی گرفته تا پیاده روی و انواع نرمش‌های روزانه، ترک نکرده‌ام و به ادامه‌ی آن‌ها پای‌بندم.



کمی هم از خودتان بگویید.

اشتغال چندین ساله‌ی من در نهادند برایم با علاقه‌مندی و خاطرات خوب همراه بوده است و تقدیر چنین بود که در سال ۱۳۴۲ با یک خانواده‌ی نهاوندی وصلت کنم (دختر

مرحوم محمد مهدی شهبازی) و وابستگی ام به این شهر بیش تر شود. خواهرم نیز در این شهر ازدواج کرد (با آقای نورالدین گودرز دشتی که فوت کرده است) و دارای دو فرزند دختر است که آنها نیز شوهرانشان نهاوندی اند. ضمناً به دلیل مأموریت های اداری چند سال پایانی خدمت را در شهرستان های دیگر گذراندم . سرانجام در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شدم و هم اکنون در قزوین ساکن هستم.

همواره مروری بر خاطرات گذشته و نیز دیدار دوستان نهاوندی مرا به وجد می آورد. یکی دو بار نیز به دلیل عشق و علاقه ای که برای دیدار آقای مهندس محمدحسین علیمرادیان دارم به این مؤسسه آمدم که متأسفانه توفیق پیدا نکردم و امیدوارم که ایشان را از نزدیک زیارت کنم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی